

Effects of Family-Oriented Psychomotor Program on Muscle and Motor Skills in Preschoolers With Down Syndrome

Aminolroaya A¹, *Afrooz GA², Vaez Mousavi MK³, Arjmandniya AA⁴

Author Address

1. PhD Student of Psychology, Islamic Azad University, Tehran, Iran;

2. PhD in Psychology, Professor Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran;

3. PhD Psychology, Professor Imam Hussein Comprehensive University, Tehran, Iran;

4. PhD Psychology, Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

*Corresponding author's e-mail: afrooz@ut.ac.ir

Received: 2019 January 21; Accepted: 2019 December 23

Abstract

Background & Objectives: One of the most critical issues affecting children with Down syndrome is the development of gross and fine motor skills in early childhood. Furthermore, the family environment affects the development of motor skills functions in children with Down syndrome. Accordingly, experimental research supported a family-oriented approach in this respect. Therefore, family-centered interventional approaches have recently attracted the attention of experts. This approach tailors content into educational planning. Besides, its purpose is to involve family members in education and implementation. The main piece of this action plays a key role in ensuring the health and wellbeing of children. Accordingly, attention to health services has shifted from conventional child-centered to family-centered approaches. The current study aimed to review the effects of family-centered psychomotor programs. We also evaluated their effects on muscle strengthening and the development of motor skills in preschool children with Down syndrome.

Methods: This was a quasi-experimental study with a pretest-posttest and a control group design. The test group received ten 90-minute weekly sessions of a family-centered psychomotor program. The intervention program lasted one month and one week. The statistical population of the study was preschool children with Down syndrome from Tehran City, Iran, in 2013. Using the purposive random sampling method, 30 children with Down syndrome who met the inclusion criteria were selected. Next, they were randomly divided into two groups of 15 subjects. The inclusion criteria of the study were an Intelligence Quotient (IQ) of 50–70 (educable), the absence of orthopedic or neurological diseases, congenital anomaly, and cerebral palsy, no audiovisual impairments, and parental approval for participating in the study. The Gross Motor Function Measure (Russell et al., 1998) was used at pretest and posttest stages to assess motor skills in the study participants. The obtained data were analyzed using Analysis of Covariance (ANCOVA).

Results: The ANCOVA data suggested a significant difference in the mean scores of the skills of sleeping, crawling, sitting, and walking between the pretest and posttest steps. In other words, the presented family-centered psychomotor program affected sleeping, crawling, sitting, standing, and walking in the study subjects ($p < 0.001$). Thus, these skills significantly improved in the study participants after the intervention.

Conclusion: The collected results indicated that children with Down syndrome whose families have received educational and counseling services have provided significant progress in developing motor skills.

Keywords: Family-Oriented psychomotor program, Family-Oriented, Musculoskeletal reinforcement, Motor skills, Down syndrome.

اثربخشی برنامه روانی- حرکتی خانواده‌محور بر مهارت‌های عضلانی و حرکتی کودکان پیش‌دبستانی با سندرم داون

آزیتا امین‌الرعایا^۱، *غلامعلی افروز^۲، محمدکاظم واعظ موسوی^۳، علی‌اکبر ارجمندنیا^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران؛

۲. دکتری روان‌شناسی، استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

۳. دکتری روان‌شناسی، استاد دانشگاه امام حسین، تهران، ایران؛

۴. دکتری روان‌شناسی، استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*رأبانا نامه نویسنده مسئول: afrooz@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱ بهمن ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: از موضوعات بسیار مهم در عملکرد حرکتی کودکان مبتلا به سندروم داون، رشد مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت در سال‌های اولیه زندگی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی برنامه روانی- حرکتی خانواده‌محور و ارزیابی اثربخشی آن در تقویت عضلانی و رشد مهارت‌های حرکتی کودکان پیش‌دبستانی با سندرم داون انجام شد. **روش بررسی:** پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را کودکان پیش‌دبستانی مبتلا به سندرم داون شهر تهران در سال ۱۳۹۲ تشکیل می‌دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد سی نفر انتخاب و به‌طور تصادفی به دو گروه پانزده نفری تقسیم شدند. مهارت‌های حرکتی هر دو گروه از طریق مقیاس اندازه‌گیری عملکرد حرکتی (راسل و همکاران، ۱۹۹۸) قبل و بعد از ارائه آموزش بررسی گردید و با استفاده از مدل آماری تحلیل کواریانس آزمون سوالات پژوهش انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که برنامه روانی- حرکتی خانواده‌محور بر تقویت عضلانی و رشد مهارت‌های حرکتی در پنج مهارت خوابیدن، خزیدن، نشستن، ایستادن و راه رفتن مؤثر بوده است ($p < 0/001$). به عبارت دیگر این مهارت‌ها بعد از مداخله روانی- حرکتی خانواده‌محور به صورت معناداری بهبود یافته است.

نتیجه‌گیری: برنامه روانی- حرکتی خانواده‌محور در تقویت عضلانی و رشد مهارت‌های حرکتی کودکان پیش‌دبستانی با سندرم داون مؤثر است. **کلیدواژه‌ها:** برنامه روانی- حرکتی خانواده‌محور، تقویت عضلانی، مهارت‌های حرکتی، سندرم داون.

از بزرگترین گروه‌های مبتلا به تأخیرهای تحولی با نرخی در حدود ۱۰/۳ تولد از هر هزار تولد زنده، افراد مبتلا به نشانگان داون هستند. این سندرم از متداول‌ترین اختلال‌های کروموزومی مادرزادی و همراه با عقب‌ماندگی ذهنی است (۱). تقریباً یک‌چهارم این کودکان تأخیرات تحولی خود را تا قبل از سن پنج سالگی بروز می‌دهند و مبتلایان به این اختلال از نظر رشد ذهنی، زبانی، حرکتی و اجتماعی نسبت به کودکان عادی تأخیر و کندی دارند. البته شرایط زندگی کودک در توسعه کنش‌های ذهنی و مهارت‌های کلامی، حرکتی و اجتماعی آنان مؤثر است (۲). این افراد علاوه بر معلولیت‌های ذهنی مشکلات خاصی در زمینه تحول حرکتی نیز از خود نشان می‌دهند از جمله: هیپوتونی عمومی عضلات، وجود رفلکس‌های اولیه نامتناسب با سن، کمبود تعادل و ناهنجاری‌هایی در الگوهای حرکتی. همچنین فراوانی بروز بیماری‌هایی همچون بیماری‌های قلبی مادرزادی و چاقی نیز مشکلات حرکتی را در این کودکان دو چندان می‌کند (۳). از آنجایی که فعالیت جسمانی مبنایی برای تحول اولیه هر کودک است و می‌تواند در جنبه‌های متعددی از سلامت کودک تأثیر بگذارد. بنابراین، همواره باید دنبال بهره‌گیری مطلوب از فعالیت‌های جسمانی به‌عنوان بخشی از آموزش‌های ویژه بود تا از این طریق جنبه‌های متفاوتی از ناتوانی کودک را کاهش داد (۴). با توجه به این امر و همچنین کوشش برای کاهش هزینه‌های درمانی، لزوم سرمایه‌گذاری در حیطه مداخلات بهنگام و برنامه‌های توانبخشی در دوره پیش از دبستان و ارائه چنین خدماتی به کودکان مبتلا به تأخیرهای تحولی و خانواده‌های آنان احساس می‌شود (۵). مداخله بهنگام واژه‌ای معمول بوده که هدف آن ارائه هرچه زودتر سیستمی خدماتی به کودکان در خطر یا مبتلا به تأخیرهای تحولی است (۶). مداخله بهنگام راهبردی سیستماتیک برای به حداکثر رساندن توانایی‌های بالقوه تحولی نوزادان و کودکان دارای نیازهای خاص و تقویت عملکرد والدین و مراقبان ایشان می‌باشد. دهه‌های ۷۰-۱۹۶۰ را می‌توان به‌عنوان دهه‌هایی ثبت کرد که مداخله بهنگام به‌عنوان راهی مناسب برای کمک به نوزادان و نوپایان مبتلا به ناتوانی‌های تحولی مانند تأخیرهای ذهنی و معلولیت‌های جسمی پذیرفته شد و باعث هدفمند شدن فعالیت خانواده‌ها گردید. (۷). به‌عنوان مثال، آموزش عضلات ظریف می‌تواند کارکردهای انطباقی کودکان سندرم داون را افزایش دهد و این‌گونه اثرات در پژوهش‌های طولانی نیز مشهود است (۸). همچنین توسعه مهارت‌های حرکتی در کارکردهای کودکان سندرم داون با تأکید بر محیط خانوادگی مشهود بوده و این اقدام از طریق پژوهش‌های آزمایشی با رویکرد خانواده‌محور انجام گرفته است (۹). رویکرد مداخله‌ای خانواده‌محور ازجمله رویکردهایی است که اخیراً توجه متخصصین را به خود جلب کرده است. این رویکرد فراتر از یکپارچه‌سازی محتوا در برنامه‌ریزی آموزشی است و هدف آن درگیر ساختن اعضای خانواده در آموزش و اجرا است. خانواده به مثابه مهره اصلی، نقش اساسی را در تضمین سلامت و رفاه کودکان دارد و به همین جهت است که امروزه توجه به خدمات بهداشتی از الگوی کودک‌محوری سنتی به الگوی خانواده‌محوری تغییر شکل یافته است

(۱). همچنین کارکردهای حرکتی می‌تواند کنش‌های شناختی، به خصوص حافظه و کارکردهای مجری مرکزی را افزایش دهد (۱۰). این‌گونه اقدامات در کودکان با ناتوانی ذهنی همواره انجام می‌گیرد (۱۱). چنانچه مشخص گردید اکتساب مهارت‌های حرکتی کودکان با سندرم داون گامی اولیه در درمان محسوب می‌شود (۱۲).

با ارزیابی نقادانه پروتکل‌های درمانی در کودکان کم‌توان ذهنی می‌توان به جایگاه آموزش مهارت‌های حرکتی در رفتار انطباقی و کنش‌های ذهنی دست یافت (۱۳). مهارت‌های حرکتی شامل مهارت خوابیدن، خزیدن، نشستن، ایستادن و راه رفتن وقتی با ورزش تلفیق می‌شود می‌تواند توالی‌سازی^۱ و برنامه‌ریزی را در کودکان استثنایی افزایش دهد (۱۴). اثرگذاری توسعه مهارت‌های حرکتی بر رفتار سازشی از طریق توسعه کنش‌های شناختی انجام می‌گیرد (۱۵). ارتباط بین مهارت‌های شناختی با مهارت‌های حرکتی باعث می‌شود که آموزش مهارت‌های حرکتی توسعه مهارت‌های شناختی و سپس رفتار انطباقی را ایجاد کند (۱۶). تأثیرگذاری آموزش مهارت‌های حرکتی بر سازگاری انطباقی که از طریق توسعه کنش‌های شناختی انجام می‌گیرد بر بهداشت روانی نیز مؤثر است (۱۷).

در پژوهشی دیگر به مقایسه مداخله‌های مربی‌محور و والدین‌محور بر رشد حرکتی کودکان با اختلال هماهنگی رشدی پرداختند و نتایج نشان داد که هرچند دو مداخله به بهبود رشد حرکتی کودکان با اختلال هماهنگی رشدی کمک می‌کنند، اما مداخله مربی‌محور در برخی عوامل رشد مهارت‌های حرکتی فواید بیشتری دارد (۱۸). در پژوهش دیگری که به بررسی اثر آموزش مهارت‌های روانی-حرکتی بر کارکردهای اجرایی (حل مسئله، برنامه‌ریزی و سازماندهی رفتاری-هیجانی) کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلالات یادگیری غیرکلامی شهر اصفهان انجام شد، دریافتند که آموزش مهارت‌های روانی-حرکتی باعث بهبود عملکرد آزمودنی‌ها در مقیاس‌های عصب‌روان‌شناختی (سازماندهی رفتاری-هیجانی) شده و به کاهش این مشکلات در کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلالات یادگیری غیرکلامی می‌انجامد (۱۹). اما آنچه در تمامی این تحقیقات خودنمایی می‌کند نیاز به تحقیقات بیشتر برای به‌دست آوردن راهکارهای خلاقانه‌تر و مؤثرتر برای افزایش سطح مهارت‌های حرکتی این افراد است. مداخلات ارائه‌شده در این تحقیقات در برخی مواقع بسیار پرهزینه و طولانی‌مدت هستند و در بسیاری از موارد نیازمند حضور افراد متخصص در این زمینه است؛ در حالی‌که ما نیازمند راهکارهایی هستیم که علاوه بر کم‌هزینه‌بودن، خانواده‌محور بوده و بدون حضور افراد متخصص توسط والدین نیز قابل اجرا باشد.

با توجه به اینکه تحقیقات متعددی پیرامون برنامه روانی-حرکتی با متغیرهای وابسته دیگر و همچنین، متغیرهای مستقل دیگری با تقویت عضلانی و رشد مهارت‌های حرکتی انجام گرفته است، ولی تحقیق حاضر به اثربخشی برنامه روانی-حرکتی خانواده‌محور در تقویت عضلانی و رشد مهارت‌های حرکتی کودکان مبتلا به سندرم داون به‌صورت همزمان پرداخته است. لذا نوآورانه و جدید می‌باشد. ازاین‌رو، در پژوهش حاضر به اثربخشی برنامه روانی-حرکتی

^۱. Sequencing

خانواده محور بر مهارت های عضلانی و حرکتی کودکان پیش دبستانی با سندرم داون پرداخته شد.

۲ روش بررسی

این پژوهش کاربردی، به صورت شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه انجام شد. در گروه مداخله به مدت ده جلسه، هر هفته دو جلسه نود دقیقه ای، برنامه روانی- حرکتی خانواده محور به صورت گروهی ارائه شد که در نهایت یک ماه و یک هفته به طول انجامید. جامعه آماری، تمامی کودکان پیش دبستانی مبتلا به سندرم داون مراجعه کننده به مؤسسه توان بخشی ولیعصر و انجمن سندرم داون شهر تهران در سال ۱۳۹۲ بودند. روش نمونه گیری در مرحله اول براساس نمونه گیری هدفمند بود. با توجه به اینکه در تحقیقات آزمایشی حجم نمونه سی نفر کفایت می کند، در این تحقیق نیز سی نفر از افرادی که مبتلا به سندرم داون بوده و معیارهای ورود به طرح را دارا بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی به دو گروه پانزده نفری تقسیم شدند. معیارهای ورود به طرح شامل این موارد بود: ۱. بهره هوشی ۵۰ تا ۷۰ (آموزش پذیر)؛ ۲. نداشتن بیماری های ارتوپدیک، نورولوژیک، آنومالی های مادرزادی و فلج مغزی؛ ۳. عدم اختلالات بینایی و شنوایی؛ ۴. رضایت والدین.

در اولین جلسه پرسشنامه مهارت های حرکتی درشت (GMFM)^۱ به عنوان خط پایه (پیش آزمون) و فرم رضایت نامه آگاهانه توسط والدین

کودکان تکمیل شد. به اعضای گروه گواه توضیح داده شد که بعد از اتمام این طرح پژوهشی و جمع آوری داده ها در آخرین مرحله، در صورتی که تمایل داشته باشند می توانند از خدمات روان شناختی که توسط درمانگر ارائه می شود استفاده کنند. در انتهای جلسه آخر مداخله نیز پرسشنامه GMFM تکمیل شد. سپس داده های جمع آوری شده تحت تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای مقایسه نتایج گروه های مداخله و گواه از تحلیل کوواریانس استفاده شد. تجزیه و تحلیل های آماری توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

مداخله روانی- حرکتی خانواده محور شامل دو بخش بود که براساس مطالعه فرامرزی، افروز و ملک پور در سال ۱۳۸۸ انجام شد (۲۰).

بخش اول: شامل چهار جلسه مشاوره روان شناختی به صورت فردی توسط پژوهشگر برای والدین دارای فرزند مبتلا به سندرم داون شش ساله (مقطع پیش دبستانی) بود. این جلسات برای برخی از خانواده ها با حضور یکی از والدین و برخی نیز با حضور هر دو والد انجام گرفت. هدف اصلی محقق از اجرای فاز اول بررسی مشکلات روان شناختی والدین، که به طور معمول در خانواده های کودکان ناتوان ذهنی قابل مشاهده است، و کمک به آن ها در رفع این مشکلات بود.

بخش دوم: شامل شش جلسه آموزش گروهی برای والدین بود که محتوای هریک از این جلسات آموزشی با کمک کاردرمانگر تهیه شد. محتوای این جلسات در ادامه به ترتیب در جدول ذیل می باشد:

جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی برنامه روانی- حرکتی خانواده محور

جلسه	تکالیف مرتبط با هر جلسه
اول	آشنایی والدین با روند تحول حرکتی بهنجار در کودکان، مشخص کردن زمان و طول مدت جلسات، معرفی اعضا و مطرح کردن قوانین توسط کاردرمانگر و روان شناس.
دوم	آشنایی والدین با اختلالات حرکتی در کودکان شامل هر نوع اختلال و مشکل در راه رفتن، نشستن و سایر مراحل رشدی حرکتی.
سوم	آشنایی والدین با ویژگی های حرکتی خاص (مهارت های حرکتی درشت و ظریف) در کودکان مبتلا به سندرم داون.
چهارم	آشنایی والدین با عوامل مؤثر بر رشد توانایی های حرکتی (استمرار تحرک جهت تقویت عضلات و کسب مهارت های حرکتی) در کودکان مبتلا به سندرم داون.
پنجم	آموزش راه هایی برای بهبود توانایی غلتیدن، خزیدن و نشستن (پرتاب کردن و گرفتن توپ) در کودکان مبتلا به سندرم داون.
ششم	آموزش راه هایی برای بهبود توانایی ایستادن (روی یک پا، دو پا، لی لی) دویدن، پریدن، بالا رفتن از پله در کودکان مبتلا به سندرم داون.

گزارش شده توسط والدین و درمانگرها که به صورت مستقل انجام شده بود و تغییرات مشاهده شده در GMFM به دست آمد (۱۶).

این مقیاس دارای پنج خرده آزمون است:

الف) حرکت خوابیدن که دارای هفده ماده است.

ب) نشستن که دارای بیست ماده است.

ج) خزیدن (چهار دست و پا رفتن) و روی زانو آمدن که دارای چهارده ماده است.

د) ایستادن که دارای سیزده ماده است.

ه) راه رفتن، دویدن و پریدن که دارای بیست و چهار ماده است. کودکان باید تکالیف حرکتی درشت را انجام دهند. انجام این آزمون نیازمند آموزش نیست. آزمون باید در مکانی صورت گیرد که کودک در آن احساس آرامش کند و اجازه دهد کودک آزادانه حرکت کند. کف

ابزار استفاده شده در پژوهش حاضر که مقیاس GMFM راسل و همکاران بود، برای ارزیابی اعمال حرکتی درشت در کودکان مبتلا به فلج مغزی تدوین شده است. این مقیاس دارای دو فرم است: فرم اصلی با ۸۸ ماده و فرم کوتاه با ۶۶ ماده. در این پژوهش، از مقیاس اصلی با ۸۸ ماده که برای کودکان دارای نشانگان داون اعتباریابی (۱۵) شده است، استفاده گردید. راسل و همکاران در سال ۱۹۹۸ پژوهشی را برای برآورد اعتبار مقیاس GMFM برای ارزیابی عملکرد حرکتی کودکان مبتلا به نشانگان داون انجام دادند. این محققان برای ارزیابی روایی و اعتبار GMFM نمرات آن را با زیرمقیاس حرکتی آزمون بیلی^۲ (BSDD-II) که آزمونی برای ارزیابی رشد حرکتی شیرخواران است، مقایسه کردند. نتایج بررسی اعتبار بالای ۰/۹۰ را برای تمام خرده آزمون ها نشان می داد. همچنین همبستگی بالایی بین تغییرات

^۲. Bayley Scales of Infant Development - second edition

^۱. Gross Motor Function Measure

اتاق باید هموار و محکم باشد. فرش، میز، اسباب بازی و دسترسی به پله در محیط آزمایش مورد نیاز است. اجرای این آزمون بین چهل و پنج تا شصت دقیقه به طول می انجامد. کودکان برای هر آیتم نمره‌ای بین صفر تا سه دریافت می‌کنند. در صورتی که کودک قادر به انجام یک آیتم نباشد (۰)، در صورتی که کودک فقط بتواند آیتم را شروع کند (۱)، اگر کودک آیتم را به صورت جزئی و ناقص انجام دهد (۲) و در صورت انجام مناسب و کامل آیتم نمره (۳) دریافت می‌کند. کودک حداکثر می‌تواند در هر آیتم سه کوشش داشته باشد. طی سنجش کودک ممکن است آیتم‌های خاصی را اجرا نکند یا در حدی که انتظار می‌رود، عمل نکند. ممکن است آزمون‌گر قبلاً این حرکات را دیده یا احساس کند که کودک بایستی بتواند آن را انجام دهد. در این مواقع، آزمون‌گر

۳ یافته‌ها
شرکت‌کنندگان این پژوهش را سی نفر از کودکان شش ساله مبتلا به سندروم داون که در مقطع پیش‌دبستانی بودند، تشکیل دادند. از این میان ۵۳٪ دختر و ۴۷٪ پسر بودند. در ادامه به بررسی اثر برنامه روانی-حرکتی خانواده‌محور بر میزان مهارت‌های حرکتی درشت این کودکان پرداخته شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مهارت خوابیدن، خزیدن، نشستن، ایستادن و راه رفتن در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه مداخله و گواه به همراه نتایج آنالیز کوواریانس

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسه پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p
مهارت خوابیدن	مداخله	۱۷/۸۶	۴/۴۳	۲۴/۴۰	۲/۰۲	۳۹/۷۴	<۰/۰۰۱
	گواه	۱۷/۳۳	۴/۷۹	۱۷/۷۳	۴/۵۵		
مهارت خزیدن	مداخله	۱۶/۷۳	۱/۶۶	۲۱/۰۱	۱/۱۹	۸۶/۱۸	<۰/۰۰۱
	گواه	۱۶/۸۰	۱/۷۴	۱۶/۳۳	۲/۱۶		
مهارت نشستن	مداخله	۲۲/۱۳	۱/۶۸	۲۶/۴۶	۱/۵۵	۴۹/۸۳	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۲/۰۶	۱/۷۵	۲۲/۴۰	۱/۸۸		
مهارت ایستادن	مداخله	۱۸/۴۶	۴/۳۸	۲۶/۳۳	۱/۳۴	۵۵/۹۰	<۰/۰۰۱
	گواه	۱۸/۷۳	۵/۱۴	۱۸/۱۳	۵/۴۳		
مهارت راه رفتن	مداخله	۳۴	۲/۵۹	۴۳/۴۶	۲/۶۴	۹۷/۶۳	<۰/۰۰۱
	گواه	۳۴/۴۰	۲/۷۲	۳۴/۲۰	۲/۵۶		

مشکلاتی را دارا هستند. به طور مثال در مطالعه کانلی و همکاران (۷) نتایج نشان دهنده آن است که خانواده‌های دارای فرزند با نشانگان داون در سنین پیش‌دبستانی، چنانچه در زمینه مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف آموزش‌های لازم را به عنوان مداخلات آموزشی داشته باشند، می‌توانند موجب بهبود مهارت‌های حرکتی در کودکان شوند و در نتیجه عملکرد خانواده را نیز بهبود می‌بخشند.

در پژوهشی که تحت عنوان بررسی اثربخشی برنامه حسی حرکتی خانواده‌محور بر مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت کودکان با فلج مغزی پیش‌دبستانی انجام شد، مؤثر بودن برنامه خانواده‌محور حسی حرکتی بر مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت کودکان با فلج مغزی مشخص شده است و نتایج آن همسو با پژوهش حاضر است (۱۸). در پژوهش دیگری به مقایسه مداخله‌های مربی‌محور و والدین‌محور بر رشد حرکتی کودکان با اختلال هماهنگی رشدی پرداختند. نتایج نشان داد که هر چند دو مداخله به بهبود رشد حرکتی کودکان با اختلال هماهنگی رشدی کمک می‌کنند، مداخله مربی‌محور در برخی عوامل رشد مهارت‌های حرکتی فواید بیشتری دارد (۱۹). آن‌ها نیز به نتایجی همسو با مطالعه حاضر رسیدند.

در پژوهش دیگری عملکردهای شناختی و حرکتی بیست کودک داون را در دو گروه ده نفری آزمایش و گواه بررسی کردند. گروه آزمایشی

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین مهارت‌های خوابیدن، خزیدن، نشستن، ایستادن و راه رفتن در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش معناداری داشته است. یعنی برنامه روانی-حرکتی خانواده‌محور بر مهارت خوابیدن، خزیدن، مهارت نشستن، مهارت ایستادن و مهارت راه رفتن مؤثر می‌باشد ($p < 0/001$). به عبارت دیگر این مهارت‌ها بعد از مداخله روانی-حرکتی خانواده‌محور به صورت معناداری بهبود یافته است.

۴ بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی مداخله روانی-حرکتی خانواده‌محور بر مهارت‌های حرکتی درشت در کودکان پیش‌دبستانی بود. نتایج حاکی از آن است که مداخله زودهنگام برنامه روانی-حرکتی خانواده‌محور بر مهارت «خوابیدن»، «خزیدن»، «نشستن»، «ایستادن» و «راه رفتن» کودکان پیش‌دبستانی با سندرم داون مؤثر بوده و باعث افزایش مهارت‌ها در کودکان پیش‌دبستانی با سندرم داون شده است. کودکان با نشانگان داون با تأخیر در رشد مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف روبه‌رو هستند که می‌تواند بر ابعاد مختلف رشد و عملکرد کودک در فعالیت‌های روزمره زندگی آنان تأثیر گذارد. پژوهش‌های انجام شده نیز این موضوع را تأیید می‌کنند که کودکان با نشانگان داون در همه جنبه‌های رشد و تحول به‌ویژه در زمینه مهارت‌های حرکتی

کرد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی بعد از انجام این مداخلات پیگیری‌های طولانی انجام شود تا مشخص شود که آیا این بهبود بعد از گذشت مدت زمانی از مداخلات همچنان پایدار می‌ماند یا خیر و از آنجایی که این مهارت‌ها می‌توانند آموخته شده و رشد و توسعه یابند، بررسی شود که بعد از مداخلات این چنینی میزان آموختن و رشد مهارت‌های جدید بر پایه مهارت‌های آموزش داده شده، چه مقدار است.

۵ نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش و پژوهش‌های دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که کودکان دارای نشانگان داون که خانواده آن‌ها خدمات آموزشی و مشاوره‌ای را دریافت کردند در رشد و تحول مهارت‌های حرکتی کودکان‌شان پیشرفت چشمگیری را مشاهده کردند. به عبارتی آموزش خانواده در زمینه چگونگی پرورش و تقویت رشد مهارت‌های حرکتی کودکان به آن‌ها کمک می‌کند تا علاوه بر استفاده از خدمات متخصصین، آموزش‌های لازم را در منزل به کار گرفته و به موجب ارائه چنین مداخلاتی، اگر به موقع و زودهنگام انجام پذیرد، اثرات چشمگیری بر مهارت‌های حرکتی مورد نیاز این کودکان داشته باشد.

۶ تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی دست‌اندرکاران مؤسسه توان‌بخشی ولیعصر و انجمن سندرم داون ایران و تمامی افراد شرکت‌کننده در پژوهش، که ما را در انجام این تحقیق یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکترا در رشته روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی مصوب شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات است. فرم رضایت‌نامه آگاهانه توسط والدین کودکان تکمیل شد. به اعضای گروه گواه توضیح داده شد که بعد از اتمام این طرح پژوهشی و جمع‌آوری داده‌ها در آخرین مرحله، در صورتی که تمایل داشته باشند می‌توانند از خدمات روان‌شناختی که توسط درمانگر ارائه می‌شود استفاده کنند.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تراجع منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

دریافت‌کننده خدمات مداخله زودهنگام بودند. نتایج آن‌ها نشان داد اگرچه نمرات گروه مداخله در آزمون‌های حرکتی درشت و ظریف از متوسط افراد عادی کمتر است اما مهارت‌های حرکتی درشت رشد خوبی در مقایسه با گروه گواه داشتند (۷) و این نتایج همسو با پژوهش حاضر بود.

با استناد به پیشینه پژوهش می‌توان عنوان کرد که آموزش‌ها عضلات ظریف، کارکردهای انطباقی کودکان سندرم داون را افزایش می‌دهد و این‌گونه اثرات تداوم دارد (۸). همین‌طور توسعه مهارت‌های حرکتی در کارکردهای کودکان سندرم داون با تأکید بر رویکرد خانواده‌محور مؤثرتر است زیرا کارکردهای حرکتی، کارکردهای مجری مرکزی را افزایش می‌دهد (۱۰) و این‌گونه اقدامات در کودکان سندرم داون مؤثر بوده است (۱۱) و همچنین آموزش مهارت‌های حرکتی در کارکردهای حرکتی و انطباقی کودکان سندرم داون تأثیر دارد (۱۲).

با توجه به نتایج و پیشینه‌های پژوهش می‌توان عنوان کرد که مهارت‌های شناختی با مهارت‌های حرکتی مرتبط بوده و آموزش مهارت‌های حرکتی توسعه مهارت‌های شناختی و سپس رفتار انطباقی را ایجاد می‌کند (۱۶). فعالیت‌های جسمانی نه تنها تناسب جسمانی بلکه کنش‌های شناختی و پیشرفت تحصیلی را در کودکان ناتوان افزایش می‌دهد (۲۱). پروتکل‌های درمانی در کودکان کم‌توان ذهنی می‌تواند به جایگاه آموزش مهارت‌های حرکتی در رفتار انطباقی و کنش‌های ذهنی دست یابد (۱۳). توسعه مهارت‌های حرکتی بر رفتار سازشی از طریق توسعه کنش‌های شناختی مؤثر است (۱۵). آموزش مهارت‌های حرکتی بر سازگاری انطباقی که از طریق توسعه کنش‌های شناختی انجام می‌گیرد بر بهداشت روانی نیز مؤثر می‌باشد (۱۷). همچنین آموزش مهارت‌های حرکتی بر رشد شناختی و کارکرد حافظه فعال و مجری مرکزی مؤثر است (۹). پژوهشگران اثرات مداخله حرکتی زودهنگام یا همان آموزش‌های رشد تحولی بر بیست‌وهفت کودک داون و بیست‌وسه کودک فلج مغزی را با سن تقویمی چهارده هفته به مدت یک سال بررسی کردند. مطالعه پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از تست GMFM نشان داد که کودکان، پیشرفت‌های خوبی در رشد حرکتی و کیفیت حرکتی در جریان مداخله داشتند. تحلیل رگرسیون نشان داد که میزان تحول حرکتی کودکان پس از یک سال مداخله، مرتبط با میزان تحول در شروع مداخله و نیز تعداد جلسات مداخله بود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که توانایی‌های کودک در نشستن و ایستادن بیشتر به تأثیر پرسش در رشد مربوط باشد، که تمرین مهارت‌های حرکتی نیز به ظهور این توانایی‌ها کمک می‌کند (۲۲).

از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به نداشتن مرحله پیگیری اشاره

References

1. Capio CM, Rotor ER. Fundamental movement skills among filipino children with Down syndrome. *Journal of Exercise Science & Fitness*. 2010;8(1):17–24. doi: [10.1016/S1728-869X\(10\)60003-2](https://doi.org/10.1016/S1728-869X(10)60003-2)
2. Afrooz Gh. Introduction to psychology and rehabilitation of Down's syndrome children. 4th ed. Tehran: University of Tehran Pub; 2005, pp:98–101.[Persian]
3. Buckley S, Sacks B. The adolescent with Down's syndrome: life for the teenager and for the family. Portsmouth, UK: Portsmouth Down's Syndrome Trust; 1987, pp:167–9.
4. King G, Law M, King S, Rosenbaum P, Kertoy MK, Young NL. A conceptual model of the factors affecting the recreation and leisure participation of children with disabilities. *Phys Occup Ther Pediatr*. 2003;23(1):63–90.
5. Palisano RJ, Walter SD, Russell DJ, Rosenbaum PL, Gémus M, Galuppi BE, et al. Gross motor function of children with down syndrome: creation of motor growth curves. *Arch Phys Med Rehabil*. 2001;82(4):494–500. doi: [10.1053/apmr.2001.21956](https://doi.org/10.1053/apmr.2001.21956)
6. Mitchell DR, Brown RI. Early intervention studies for young children with special needs. 1st ed. London ; New York: Chapman and Hall; 1991.
7. Connolly BH, Morgan SB, Russell FF, Fulliton WL. A longitudinal study of children with Down syndrome who experienced early intervention programming. *Phys Ther*. 1993;73(3):170–9. doi: [10.1093/ptj/73.3.170](https://doi.org/10.1093/ptj/73.3.170)
8. Sugimoto D, Bowen SL, Meehan WP, Straccolini A. Effects of neuromuscular training on children and young adults with down syndrome: systematic review and meta-analysis. *Res Dev Disabil*. 2016;55:197–206. doi: [10.1016/j.ridd.2016.04.003](https://doi.org/10.1016/j.ridd.2016.04.003)
9. Pope Z, Zeng N, Gao Z. The effects of active video games on patients' rehabilitative outcomes: A meta-analysis. *Preventive Medicine*. 2017;95:38–46. doi: [10.1016/j.ypmed.2016.12.003](https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2016.12.003)
10. Milojevich H, Lukowski A. Recall memory in children with Down syndrome and typically developing peers matched on developmental age. *J Intellect Disabil Res*. 2016;60(1):89–100. doi: [10.1111/jir.12242](https://doi.org/10.1111/jir.12242)
11. Richards S, Brady MP, Taylor RL. Cognitive and intellectual disabilities: historical perspectives, current practices, and future directions. New York: Routledge, Taylor & Francis Group; 2015.
12. Gimenez R, Marquezi ML, Filho EX, Manoel E de J. A note on motor skill acquisition in mild and moderate Down syndrome individuals. *Psicol Refl Crít*. 2018;30(1):6. doi: [10.1186/s41155-017-0060-1](https://doi.org/10.1186/s41155-017-0060-1)
13. Moher D, Shamseer L, Clarke M, Ghersi D, Liberati A, Petticrew M, et al. Preferred reporting items for systematic review and meta-analysis protocols (PRISMA-P) 2015 statement. *Syst Rev*. 2015;4:1. doi: [10.1186/2046-4053-4-1](https://doi.org/10.1186/2046-4053-4-1)
14. Zeng N, Pope Z, Lee JE, Gao Z. A systematic review of active video games on rehabilitative outcomes among older patients. *J Sport Health Sci*. 2017;6(1):33–43. doi: [10.1016/j.jshs.2016.12.002](https://doi.org/10.1016/j.jshs.2016.12.002)
15. Carson V, Hunter S, Kuzik N, Wiebe SA, Spence JC, Friedman A, et al. Systematic review of physical activity and cognitive development in early childhood. *J Sci Med Sport*. 2016;19(7):573–8. doi: [10.1016/j.jsams.2015.07.011](https://doi.org/10.1016/j.jsams.2015.07.011)
16. van der Fels IMJ, Te Wierike SCM, Hartman E, Elferink-Gemser MT, Smith J, Visscher C. The relationship between motor skills and cognitive skills in 4-16 year old typically developing children: A systematic review. *J Sci Med Sport*. 2015;18(6):697–703. doi: [10.1016/j.jsams.2014.09.007](https://doi.org/10.1016/j.jsams.2014.09.007)
17. Cox EP, O'Dwyer N, Cook R, Vetter M, Cheng HL, Rooney K, et al. Relationship between physical activity and cognitive function in apparently healthy young to middle-aged adults: A systematic review. *J Sci Med Sport*. 2016;19(8):616–28. doi: [10.1016/j.jsams.2015.09.003](https://doi.org/10.1016/j.jsams.2015.09.003)
18. Abdolrahman Chapari S, Vaez Mousavi M, Kashi A. Comparison of instructor-based and parent-based interventions on motor development in children with developmental coordination disorder. *Journal of Motor Learning and Movement*. 2018;9(4):613–38. [Persian] [10.22059/jmlm.2018.243316.1304](https://doi.org/10.22059/jmlm.2018.243316.1304)
19. Zeidabadi F, Malekpour M, Faramarzi S, Chopan zide R, Tagipour javan A ali. The efficacy of psycho-motor skills training on executive functions amongst pre-school children with non-verbal learning disabilities. *Advances in Cognitive Science*. 2013;15(3):33–9. [Persian] <http://icssjournal.ir/article-1-151-en.pdf>
20. Faramarzi S, Afrooz G, Malekpour M. The impact of early family-centered psychological and educational interventions on adaptive behaviors in children with Down syndrome. *Journal of Exceptional Children*. 2008;8(3):257–70. [Persian] <http://joec.ir/article-1-343-en.pdf>
21. Donnelly JE, Hillman CH, Castelli D, Etnier JL, Lee S, Tomporowski P, et al. Physical activity, fitness, cognitive function, and academic achievement in children: a systematic review. *Med Sci Sports Exerc*. 2016;48(6):1197–222. doi: [10.1249/mss.0000000000000901](https://doi.org/10.1249/mss.0000000000000901)
22. Mahoney G, Robinson C, Fewell RR. The effects of early motor intervention on children with Down syndrome or cerebral palsy: a field-based study. *J Dev Behav Pediatr*. 2001;22(3):153–62. doi: [10.1097/00004703-200106000-00001](https://doi.org/10.1097/00004703-200106000-00001)